

بررسی دلایل و میزان گرایش به فرقه‌های انحرافی و نقش آن در امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: فرقه ضاله بهائیت)

علی فاطمی نسب^۱

نسرین قلانی^۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

چکیده

گرایش شهروندان به فرقه‌های انحرافی، اگرچه پدیده نوظهوری نیست، اما طی سال‌های اخیر، رویدادهایی با حضور برخی فرقه‌های انحرافی در جهت‌دهی به تنش‌ها و آشوب‌های اجتماعی، بازتاب نگران‌کننده‌ای در جامعه و نظام اجتماعی به وجود آورده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه میزان گرایش شهروندان به فرقه‌های انحرافی و اعتقادات فرقه بهائیت و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقض امنیت اجتماعی در دو شهر استان اصفهان، با بررسی متغیرهایی چون، بی‌هویتی در دو بعد دینی و اجتماعی و نقض امنیت اجتماعی انجام شده است. این پژوهش به روش پیمایشی بین ۶۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ تا ۶۴ سال شهر "الف" و "ب" با استفاده از سه شیوه نمونه‌گیری هدف‌مند، خوشه‌ای و تصادفی ساده، با کمک ابزار پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفته است. بالا بودن ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرها حکایت از مطلوبیت پایایی ابزار پژوهش دارد. یافته‌های تحقیق نشان داده است که میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بین دو منطقه شهر "الف" و "ب" متفاوت است؛ به طوری که بیشترین میزان، متعلق به شهر "ب" می‌باشد، همچنین متغیر بی‌هویتی دینی بیشترین تأثیر را در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت دارد و بین گرایش به فرقه بهائیت و نقض امنیت اجتماعی، رابطه وجود دارد.

کلید واژه‌ها

امنیت؛ امنیت اجتماعی؛ بی‌هویتی دینی؛ بی‌هویتی اجتماعی؛ فرقه انحرافی بهائیت

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات کاربردی alifatme55@yahoo.com

۲. دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، مدرس دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران ghalani_n@yahoo.com

مقدمه

امنیت اجتماعی با چهار رویکرد «امنیت جامعه»^۱، «امنیت عمومی»^۲، «تأمین اجتماعی»^۳ و «امنیت اجتماعی شده»^۴ مورد مذاقه قرار می‌گیرد، با این تفاوت که رویکرد اول، همه ملاحظات امنیتی جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و... را شامل می‌شود. رویکرد دوم، محدود به امنیت افراد در حیات اجتماعی یعنی حفظ جان، مال، ناموس و منافع افراد می‌شود. رویکرد سوم، درصدد ایمن نمودن حیات جمعی برای افراد جامعه است که در زبان فارسی مفهوم «تأمین اجتماعی» به این معنی، به کار می‌رود؛ اما در مقابل سه رویکرد فوق، رویکرد چهارم یک رویکرد گفتمانی جدید است که موضوع آن هیچ ارتباطی با مباحث سه‌گانه فوق نداشته و به مسئله مهم «هویت» به عنوان مسئله اصلی «امنیت» می‌پردازد (نصرالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰). در این مقاله رویکرد چهارم به عنوان رویکرد اصلی این پژوهش در نظر گرفته شده است که براساس آن به مباحث هویتی پرداخته خواهد شد.

برای دستیابی به تحلیل صحیح، قبل از هر چیز، تمایز بین مقوله امنیت عمومی و امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این علت که امنیت عمومی گاهی به اشتباه امنیت اجتماعی خوانده می‌شود؛ زیرا واحد تحلیل هر دو مفهوم که مرجع امنیت و تهدیدات و آسیب‌های امنیتی است، در برخی مواقع با یکدیگر همپوشانی دارند و چون لایه‌های گوناگون امنیت در بستر مشترکی به نام «جامعه» قرار می‌گیرند، خواه‌ناخواه دارای وجوه مشترکی نیز می‌باشند. براین اساس، امنیت اجتماعی به پیوندها و تعلقات مشترک میان اعضای گروه‌ها و اجتماعاتی گفته می‌شود که بانیان آن محافظت و پاسداری از عوامل قومی، جنسی، ملی، اعتقادی، شغلی و هنری را وظیفه خود می‌دانند و درمقابل، امنیت عمومی، بر حفظ افراد کشور یا حفظ کالبد داخلی مجموعه تأکید دارد و در پی حفظ عموم شهروندان از گزند آسیب‌ها و تعارضات است و عموماً به آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و جرائم نظر دارد (برزگر لداری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰).

-
1. Security of Society
 2. Public Security
 3. Social Security
 4. Societal security

آنچه اهمیت امنیت اجتماعی را در این مقاله پررنگ می‌کند، رشد فارچی جنبش‌ها و فرقه‌های انحرافی بین نسل جوان جامعه است. در آغاز هزاره سوم که پدیده جهانی شدن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به روندی سریع و گسترده تبدیل شده است، ادیان قدیمی و ریشه‌دار الهی با چالشی جدید روبه‌رو شده‌اند. این چالش بزرگ، ظهور جنبش‌های دینی جدید است که در بازار رقابتی کالاهای دینی در عصر جدید، می‌رود تا گوی سبقت را از رقبای دینی ربوده و به‌طور روزافزونی پیروان ادیان الهی را به خود جذب نماید. جنبش دینی برای توصیف گروه‌هایی که از مسیر اصلی دینی جدا شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرد که سه معیار برای تعریف این جنبش‌های دینی وجود دارد: نخست اینکه یک جنبش دینی جدید، نوظهور و نوین است؛ دوم اینکه خارج از جریان حاکم و مسلط جامعه قرار دارد و در نهایت طرفداران و پیروانش را از فرهنگ میزبان جذب می‌کند (کریس سایدز، ۱۹۸۵، به نقل از حمدیه، ۱۳۹۴: ۱۴۶). در تقسیم‌بندی «والیس» (۱۹۸۴) جنبش‌های دینی از نظر محتوای عملکردی به سه دسته تقسیم شده است:

- الف. جنبش‌های طردکننده جهان:** این نوع جنبش‌ها، جهان مادی و اجتماعی را ارضاناکنده، فاسد و غیرعرفانی می‌انگارند و از ایمان به خداوند یا مرشد نفس، هواداری می‌کنند؛
- ب. جنبش‌های تأییدکننده جهان:** این نوع جنبش‌ها، بیشتر رو به سوی فرد دارند و چنین آموزش می‌دهند که توفیق شخصی، قدرت یا برخورداری را می‌توان از طریق عملکردها و شگردهای آموزشی جنبش به دست آورد. به عقیده آنها ناملايمات این جهان را بدون تغییر ساختارهای اجتماعی و تنها با تغییر افراد، می‌توان از میان برداشت؛
- ج. جنبش‌های تطبیق‌کننده با جهان:** این جنبش‌ها، جنبش‌های مذهبی سنتی‌تر هستند، اما به فرد و زندگی درونی شخصی، بیشتر توجه دارند تا به ساختارهای اجتماعی. در این جنبش‌ها، مناسک دسته‌جمعی معمولاً نقش مهمی دارند و غالباً بر نوعی تجربه مذهبی شخصی تأکید می‌شود. طرفداران این نوع جنبش تصور می‌کنند که هیئت‌های مذهبی سنتی و تثبیت‌شده، سرزندگی‌شان را از دست داده‌اند و غالباً به این قضیه اعتراض دارند (همیلتون، ۱۳۹۲: ۴۳).
- فرقه بهائیت جزء این دسته از مسلک‌ها و فرقه‌های نوظهور محسوب می‌شود. این فرقه (گرایش) خود را آخرین دین از ادیان آسمانی و پیامبرشان را درزمره پیامبرانی چون حضرت

ابراهیم(ع) معرفی می‌کنند. امام خمینی(ره) در وصفشان چنین فرمودند: "بهائیان یک مذهب نیستند، یک حزب هستند، حزبی که در سابق انگلستان پشتیبانی(اش) می‌کرد و امروز هم امریکا پشتیبانی(اش) می‌کند (سران) اینها همه جاسوسند" (امام خمینی، ج ۱، ۱۳۶۴).

در توضیح هدف اصلی تحقیق می‌توان این‌گونه بیان داشت که بعد از سال‌ها رکود فرقه بهائیت، این روزها به علت وجود فشارهای اقتصادی، این فرقه باعث انحراف عده‌ای از افراد در جامعه ایرانی - اسلامی، به‌ویژه جوانان شده است و با هدف ضربه‌زدن به امنیت اجتماعی و با ترویج ایدئولوژی کاذب و جذاب‌نشان‌دادن عقایدشان، در تضعیف هرچه‌بیشتر دین، مذهب و اعتقادات مردم گام برداشته‌اند که وجود شرایط روحی، سرگردانی‌های هویتی و ایجاد شبهات دینی بین مردم و به‌ویژه جوانان را سبب شده است که خطرهایی را متوجه فرهنگ رفتاری و اعتقادی مردم کرده است و اصل و بنیان و موجودیت جامعه و به‌مرور کاهش انسجام ملی و امنیت ملی را به‌خطر انداخته است؛ مانند دعوت به اغتشاش و خرابکاری. لذا باتوجه‌به این مسئله که فرقه بهائیت بر امنیت کشور به‌ویژه امنیت اجتماعی تأثیرگذار بوده و به انحراف در اندیشه افراد و لایه‌های زیرین جامعه منجر می‌شود، انجام کار تحقیقاتی در این زمینه ضروری به‌نظر می‌رسد.

بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که: "تأثیر کدام بی‌هویتی در میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بیشتر است؟" و "آیا گرایش به فرقه بهائیت بر نقض امنیت اجتماعی تأثیر دارد؟" و "راهکارهای پیشنهادی جهت مقابله با این فرقه ضاله چیست؟"

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

امنیت اجتماعی

مفهوم «امنیت اجتماعی»^۱ برای اولین بار در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون «باری بوزان»^۲، «ال‌ویور»^۳ و «لمیتر»^۴ تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح شد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴؛ به‌نقل

1. societal security
2. Barry Buzan
3. Ole Waever
4. Lemaiter

از نویدنیا، ۱۳۸۵: ۱۳۷). این مفهوم در زبان فارسی به معادل‌های گوناگونی مانند امنیت اجتماعی‌شده، امنیت‌جامعگی، امنیت‌جامعوی، امنیت‌جامعگانی، امنیت‌جامعه‌ای و امنیت اجتماعی ترجمه شده است و زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویتشان درخطر است. امنیت اجتماعی، توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است (جهانگیری و مساوات، ۱۳۹۲: ۴۳). بنابراین، جوهره اجتماعی امنیت و زمینه‌مندی آن، عرصه تازه‌ای را ایجاد می‌کند که در آن معنای امنیت از بطن جامعه استخراج می‌شود و سطوح مختلف امنیت مانند امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌الملل موضوعیت می‌یابد. هرچند منبع، مرجع و ابزار تهدید هر کدام از سطوح ذکرشده ممکن است بایکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند، لیکن از یکدیگر متفاوتند. باتوجه به این مسئله که امنیت اجتماعی حدفاصل و خط واصل بین امنیت فردی و ملی است، اصولاً هم بر سطح فردی امنیت تأثیر می‌گذارد و هم سطح ملی امنیت را متأثر می‌سازد؛ چراکه امنیت اجتماعی درصدد تبیین و تحلیل مخاطراتی است که به‌صورت عمدی یا طبیعی، هستی و یا بالندگی یک گروه اجتماعی را هدف قرار می‌دهد (شاه‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

فعالیت جنبش‌ها و فرقه‌ها در جامعه‌های اسلامی به‌نوعی حساسیت توجه به این مفهوم را نشان می‌دهد. بنابراین، «امنیتی‌دیدن»^۱ یک «مفهوم» یا «وضعیت»^۲ از اعتبار بسیار زیاد یک مفهوم یا وضعیت حکایت می‌کند. معمولاً یک موضوع (به‌نظرعادی)، هنگامی امنیتی دیده می‌شود که یک یا چند مؤلفه از «ارزش‌های اساسی»^۳ را در معرض تهدید یا آسیب‌پذیری قرار داده باشد (نصرالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲). به‌عبارتی، سطح تحلیل این مفهوم نه دولت است و نه یکایک شهروندان، بلکه افراد متشکل در قالب گروه که دغدغه حفظ هستی و خصایص خود را دارند، اصلی‌ترین موضوع امنیت اجتماعی است (روی، ۱۳۸۲: ۱۲).

-
1. Securitization
 2. Situation
 3. Vital Values

از آنجا که امنیت اجتماعی معطوف به گروه‌های فراملی، در سطح ملی یا فراملی است، تهدیدات امنیت اجتماعی نیز به همین نسبت می‌تواند در سطح داخلی، ملی یا فراملی مطرح باشد (شاه‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۲). به طوری که مفهوم «تهدید اجتماعی» یا «نقض امنیت اجتماعی» به عنوان روی دیگر امنیت اجتماعی در این مقاله به علت تلاش گروه‌ها در ترویج فرقه بهایت، در جامعه‌های مورد بررسی، مدنظر است. تهدید اجتماعی، تهدیدی است که متوجه هویت و ارزش‌های مورد احترام جامعه است و طی آن «ما»یی یک هویت توسط هویت دیگر مورد حمله واقع می‌شود. این تهدید در گذشته در سطح ملی اتفاق می‌افتاده است، اما با گسترش فرایند جهانی شدن، در شرایط کنونی تهدیدی بین کشوری و فراملی نیز محسوب می‌شود (نصرالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲).

مرجع امنیت اجتماعی شده: امنیت اجتماعی معطوف به حیات جمعی و هویت و ساختار اجتماعی است. آنچه موجب بهبود یا تضعیف حیات جامعه است، متفاوت از چیزهایی است که موجب بهبود یا تضعیف حیات فرد یا دولت می‌شوند. به عنوان مثال، با حمله یک کشور به کشور دیگر، امنیت ملی مخدوش می‌شود؛ زیرا تمامیت ارضی کشور نقض می‌شود، اما ممکن است در پی آن حمله، گروه یا جامعه آسیب خاصی نبیند. هر چند امنیت اجتماعی ربط وثیقی با امنیت ملی و امنیت فردی دارد، لیکن مرجع امنیت ملی، دولت (در مقابل جامعه) است و مرجع امنیت فردی (در مقابل جمعی)، افراد یا انسان‌ها هستند، اما مرجع یا موضوع امنیت اجتماعی، جامعه است که در قالب گروه تبلور می‌شود؛ گروه هم به جمعی اطلاق می‌شود که دارای علائق، پیوندها و خصایص مشترکی هستند. گروه‌ها معمولاً شخصیتی فراتر از مجموع افراد تشکیل‌دهنده خود دارند و خطراتی که نفس گروه را تهدید می‌کنند، لزوماً و حتماً به معنای تهدید یکایک اعضای گروه نیست (روچیلد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). بنابراین، مرجع امنیت اجتماعی «جامعه» است و تهدیدات اجتماعی یا آسیب‌های اجتماعی متفاوت از تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های فردی و ملی است.

شاخص‌های امنیت اجتماعی: شاخص‌های امنیت اجتماعی در حوزه‌های متعددی دسته‌بندی شده است. اما با توجه به مفهوم قالبی این مقاله در تأثیر فرقه‌های ضاله بر هویت و نقض امنیت اجتماعی، چند شاخص از امنیت اجتماعی که مرتبط با هویت جامعه است و تأثیر این

شاخص‌ها بر امنیت اجتماعی انکارنشدنی و بی‌توجهی به آنها نقض امنیت اجتماعی محسوب می‌شود، مطرح شده است که شامل موارد ذیل است:

۱. تاریخ و گذشته: که سرزمین، همبستگی اجتماعی و هویت فرهنگی عناصری در شکل‌گیری و حفظ امنیت اجتماعی همان جامعه محسوب می‌شوند.

۲. آیین‌ها و مناسک: «گیرتر»^۱ (۱۹۷۵) معتقد است که نمادهای مقدس ابتدا در مناسک به خدمت گرفته می‌شوند تا جهان‌بینی و خلیقات را در ذهن فرد معتقد تلفیق کنند (شامحمدی و پاسالاری بهجانی، ۱۳۹۴: ۵۴). این آیین و مناسک زمانی که در چهارچوب بهنجار هویتی یک جامعه باشد، به‌عنوان شاخص امنیت اجتماعی و به‌عنوان اهرم تقویت‌کننده عمل می‌کند؛ اما در صورتی که خارج از هنجارهای هویتی جامعه ملی قرار گیرد؛ می‌تواند به‌عنوان یک نیروی منفی در اندیشه شهروندان، عاملی برای برهم‌زدن امنیت اجتماعی و گاهی امنیت ملی باشد. چنانچه گرایش برخی از افراد جامعه به برنامه‌ها و عقاید جنبش‌ها و فرقه‌هایی چون بهائیت می‌تواند یک مناسک‌گرایی تلقی شود؛ مناسک‌گرایی تخریبی که نقش اساسی در تهدید امنیت اجتماعی می‌تواند داشته باشد. تفاوت "آیین و مناسک" و "مناسک‌گرایی" در این مقاله در این زمینه است.

۳. باورها و عقاید: «کاندلند»^۲ معتقد است که دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هم‌نوعان، وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای وابستگی می‌تواند مبنای اجتماعی قلمداد شود (گنجی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). فرقه‌های انحرافی، چون بهائیت و عرفان‌های نوظهور به‌دنبال تحلیل هویت افراد و دورکردن فرد از چیستی خود هستند. به‌طوری‌که این تغییر هویت می‌تواند در جامعه نوعی ناهنجاری و دین‌گریزی و انزواطلبی فرد از مسائل اجتماعی و مشکل در فرایند امنیت ملی کشور ایجاد کند.

هویت و مفاهیم مرتبط با آن

"هویت" تلقی از "خود" یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آنگاه که در برابر "دیگری" و دیگران ترسیم می‌شود، ماهیت یا وجه تمایز "ما" از "دیگران" است و معرف مجموعه

1. Geertz
2. Kandeland

عناصر و ویژگی‌هایی است که "دیگران فاقد" و "ما واجد" آن باشیم (چگینی، ۱۳۹۷: ۱۴۷). به‌طور کلی، بی‌ثباتی هویت خود به سرگردانی در هویت دینی و ملی منجر می‌شود. فرقه‌های انحرافی چون بهائیت با هدف قراردادن رشد شخصیتی فرد و با ایجاد ویژگی‌های خاص برای خود در جذب شخصیت‌های متزلزل تلاش می‌کنند. به‌عبارتی، هویت اجتماعی یک امر کلان و هویت فردی یک امر خرد است و چون این فرض وجود دارد که همیشه امر کلان، امر خرد را متعین می‌کند (و نه برعکس) پس بدون هویت اجتماعی، از هیچ هویتی به‌ویژه هویت فردی نمی‌توان سخن گفت، ترکیب و ساخت هویت فردی، چنان به ترکیب و ساخت هویت اجتماعی بستگی دارد که اساساً بدون آن، هویت برای فرد ایجاد نمی‌شود (فاتحی، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

آسیب‌های بی‌هویتی: فرقه بهایی از ابتدای پیدایش میان مسلمانان به‌عنوان یک انحراف اعتقادی (فرقه انحرافی) شناخته شده است. ادعای بابت و سپس قائمیت و مهدویت توسط سیدعلی محمد باب با توجه به احادیث قطعی پذیرفته نبوده است. ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) در احادیث اسلامی به‌گونه‌ای تبیین شده که راه هرگونه ادعای بی‌جا را بسته است. در احادیث ادعای بابت، امام غایب به‌شدت محکوم شده است. ادعای دین جدید توسط باب و بهاء‌الله با اعتقاد به خاتمیت پیامبر اسلام (ص) که توسط همه مسلمانان پذیرفته شده، سازگار نبوده است. از این‌رو، علی‌رغم تبلیغات گسترده، بهائیان میان مسلمانان و شیعیان جایگاهی نیافته‌اند. بهائیان حضور خود در ایران را مبتنی بر اصل اساسی و راهبردی "ارض موعود" همانند نگاه یهودیان به سرزمین فلسطین توجیه می‌کنند. آنها ایران را بعد از رژیم صهیونیستی، دومین سرزمین بهائیان و آن را مرکز قیام و تسخیر جهان می‌دانسته‌اند. به‌طوری‌که در نقشه ده‌ساله خود، بر اهمیت ایران برای بهائیت تأکید کرده‌اند (رائین، ۱۳۷۸: ۲۱۵). همین مسئله جریان اهمیت توجه به امنیت اجتماعی و در کنار آن امنیت ملی را نشان می‌دهد.

از منظر تحلیل گفتمانی: در گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام دال مرکزی است و در نتیجه نوع انسان‌شناسی و ویژگی‌هایی که از انسان در آن بیان می‌شود، مدلول است. به‌این‌منظور که هویت‌ها (ایرانی و اسلامی بودن) محصول و نمود عینی گفتمان‌هاست (یا همان انتقال ارزش‌ها که با شاخص‌های ایرانی بودن به‌عنوان جمهوری اسلامی، رفراندم ۱۲ بهمن ۵۸، دفاع از مرزها

درمقابل تفکیری‌ها و دفاع مقدس بحث می‌شود. این گفتمان‌ها یا بحث درمورد شاخص‌های ایرانی - اسلامی در شکل‌گیری هویت گفتمانی و تثبیت هویت اسلامی نقش دارد؛ به‌طوری‌که افراد و عقایدشان در درون یک گفتمان (شاخص‌های مطرح‌شده در همان حوزه) به‌صورت ایجابی شکل می‌گیرند که حاکی از بیان درونی (یا میزان ارزش شاخص‌های) آن گفتمان می‌باشد و این همان سبک زندگی ایرانی - اسلامی است که برای فرد، هویت ایرانی - اسلامی ایجاد می‌کند و یکی از مفاهیمی که در اسلام به‌شدت روی آن تأکید شده است، ارزش‌های هویتی یا هویت دینی است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳: ۱۹۴) که گاه افرادی به‌خاطر احساس بی‌قدرتی و پوچی دچار بی‌هویتی دینی می‌شوند و به هر ریسمانی چنگ می‌زنند که برخی مواقع این ریسمان‌ها فرقه‌های انحرافی (مانند بهائیت) هستند که از احساس بی‌قدرتی و پوچی افراد سوءاستفاده می‌کنند و ادعای من یظهره‌الله می‌کنند.

بی‌هویتی اجتماعی: هویت اجتماعی تعریفی است که فرد از خودش براساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی می‌دهد (دان، ۱۳۹۳: ۹۸) و درمقابل بی‌هویتی اجتماعی نوعی اختلال و ازخودبیگانگی است که فرد با خود، دیگران و جامعه دارد؛ این بحران هویت به این منجر می‌شود که شخص در ارتباطات اجتماعی دچار بیگانگی شود (صداقتی فرد، ۱۳۹۳: ۹۹). در این شرایط فرد درمقابل هنجارها و ارزش‌های جامعه خود بی‌تفاوت شده و نظرهای بی‌اساس فرقه‌های انحرافی؛ چون بهائیت را در حوزه‌های بی‌تعهدی به قوانین جامعه و مسائل امنیتی کشور می‌پذیرد و اساساً یک فرد مناسک‌گرای تخریبی می‌شود.

فرقه انحرافی بهائیت

اساساً فرقه بهائیه منشعب از فرقه بابیه است که در اواسط دوره قاجار در ایران شیعه، توسط میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله به‌وجود آمده که این فرقه نام خود را از همین لقب گرفته است. در دوره قاجار با هوشیاری علما و درایت سیاست‌مدار معروف، امیر کبیر، این فرقه سرکوب و با سردمدارن آن برخورد شد (اشتهدادی، ۱۳۷۹: ۶۴).

میرزا حسینعلی در ۱۲۳۳ در تهران به دنیا آمد و آموزش‌های مقدماتی ادب فارسی و عربی را زیر نظر پدر و معلمان و مربیان گذراند. پس از ادعای بابیت توسط سیدعلی محمد شیرازی، میرزا حسینعلی در شمار نخستین گروندگان به باب درآمد و به ترویج بابیگری، به‌ویژه

در شهرهای شمالی کشور پرداخت. برخی از برادرانش، از جمله برادر کوچکترش میرزا یحیی معروف به "صبح ازل"، نیز بر اثر تبلیغ او به این مرام پیوستند (افراسیابی، ۱۳۹۱: ۶۷).

نقطه آغازین و پیدایش بهاء در اصفهان زمانی بود که والی اصفهان، معتمدالدوله دستور داد که باب را از شیراز به اصفهان بیاورند. والی، سیدعلی محمد، را از ذریه رسول الله دانست و سپس به علمای اصفهان پیشنهاد داد که از ایشان استقبال به عمل آید و این امر هم مورد قبول واقع شد (براون، ۱۳۹۵: ۱۱۶). در بین هیئت علما که به عنوان مستقبلین بودند، یک روحانی برجسته و معروف در یکی از شهرستانهای استان اصفهان به نام ملا زین العابدین (زین المقریبین) هم حضور داشت و باب را با خود به آن شهر آورد و به خاطر شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان در دوران حکومت قاجار که شرایط کاملاً آسفبار و فلاکت بار بوده، ظلم و جور و جنایات اشرار، قتل و غارت بی حد و حصر به مردم بی پناه، حضور سیدعلی محمد باب در آن شهر و ایمان آوردن یک شخصیت مذهبی شهر، آن هم ملا زین العابدین به او، باعث شد تا مردم سرگردان احساس کنند که او همان منجی موعود است و این آغاز رشد بهائیت در یکی از شهرستانهای استان اصفهان بوده است. هم چنین (به اعتقاد بهائیان) بعدها مدتی جنازه سیدعلی محمد باب در آن شهر نگه داشته شد که به آن علت آن شهر (مورد مطالعه) از قداست و معنویت خاصی برای بهائیان برخوردار بوده است و به عنوان یک محل امن برای پیروان این مسلک محسوب می شده است. با ظهور انقلاب اسلامی، فعالیت آنان در کلیه زمینه ها، اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی روند نزولی داشته است؛ به طوری که در انجام مراسم محفلی و فرقه ای، آنان به صورت علنی و آشکار، مجاز به تشکیل جلسات نبوده اند و اکنون هم در حد معمولی و به طور پنهان پیروان این فرقه به برخی از شهرهای جدیدالتأسیس در اطراف استان اصفهان نقل مکان کرده اند و به طور نامحسوس به تبلیغات خود ادامه می دهند. بنابر مطالب مطروحه، شهرالف و ب در این پژوهش به عنوان نمونه مورد مطالعه مدنظر قرار گرفته شده است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر تلفیقی از آراء صاحب‌نظرانی چون دورکیم، مرتون در حوزه آسیب‌ها و گیدنز در زمینه امنیت است.

نظریه بی‌هنجاری یا «آنومی» ریشه در نظریات امیل دورکیم (۱۹۶۴)^۱، جامعه‌شناس فرانسوی، دارد. آنچه دیدگاه دورکیم را در این مقاله قابل‌اهمیت می‌کند، تأکید بر عوامل تضعیف‌معیارها و هنجارهای اجتماعی است. وی معتقد است که سستی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی - فرهنگی موجب بی‌هنجاری در جامعه می‌شود که براساس مفاهیم این پژوهش، روی آوردن برخی افراد به فرقه‌های انحرافی و عرفان‌های نوظهور در این چهارچوب شکل می‌گیرد. تحولات سریع صنعتی - اقتصادی و به‌تبع آن تغییرات سریع و گسترده اجتماعی مانند شهرنشینی، نوسازی، تضعیف باورها، ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی، مذهبی، ملی و موروثی متزلزل‌شدن ساختار سنتی خانواده، همه موجب تغییر در هویت افراد شده و باعث می‌شوند تا رفتارهای سنتی آنان تغییر نماید (ستوده، ۱۳۹۴: ۸۹).

نکته موردتوجه این است که پیشرفت و گسترش شاخص‌های توسعه که خود گواهی بر تفسیر جوامع سنتی می‌باشند، رابطه‌ای اساسی با ایجاد فرقه‌های جدید دارند. شاید بتوان گفت، براساس افزایش ارتباطات مجازی، تغییر سبک زندگی شهری و نظارت غیررسمی کم‌تر، در شهرها گرایش به فرقه‌های انحرافی بیش از روستاهاست، یا در خانواده‌هایی که در معرض نوگرایی قرار داشته‌اند و بافت سنتی خود را از دست داده یا در حال از دست دادن هستند، فرزندان‌شان بیشتر به گروه‌های مذهبی نوپا رو می‌آورند. بنابراین، مهاجرت به شهرک‌های اقماری و گسترش تزلزل‌های روحی و شخصیتی می‌تواند جزء عوامل مؤثر در بی‌هنجاری دینی و گرایش به فرقه‌های انحرافی، چون بهائیت باشد. به‌عبارتی، بی‌هنجاری دینی در فرد تعهد به هویت و انسجام ملی را کاهش می‌دهد و خود عامل تضعیف امنیت اجتماعی در جامعه می‌شود.

به اعتقاد «دورکیم» «آنومی» از خصوصیات ویژه تحول صنعتی است، زیرا اقتصاد صنعتی شرایطی را به‌وجود می‌آورد که تحت آن، مردم بیشتر فردگرا می‌شوند و از هر ابزاری برای

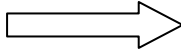
1. Durkheim

ارضای خواسته‌ها و تمایلاتشان استفاده می‌کنند (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). به عبارت دیگر، در فرایند صنعتی شدن، وفاق جمعی و ارزش‌ها و هنجارهای مشترک تضعیف می‌شوند و در مقابل رفتار خودخواهانه و فردگرایانه رشد پیدا می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد که در افکار «دورکیم»، ارتباط معنی‌داری بین «آنومی»، بحران اقتصادی، کنترل اجتماعی و رفتار انحرافی وجود دارد. عواملی که از نظر وی سبب «آنومی» در جامعه مدرن می‌شود، به شرح زیر است:

۱. تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی؛
۲. قرارگرفتن هنجارها در معرض شرایط دائماً در حال تغییر؛
۳. پیشرفت اقتصادی مبتنی بر روابط فردی آزاد شده از نظم؛
۴. تضعیف نیروهای اخلاقی.

به نظر دورکیم هر جامعه‌ای بر اساس مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک و هنجارهای مسلط سازماندهی شده است. رفتارهایی که از چارچوب این ارزش‌ها و هنجارها منحرف شوند، به عنوان رفتار انحرافی و آسیبی شناخته می‌شوند (آقابخشی، ۱۳۷۸: ۳۵).

جدول ۱. نقش آنومی (بی‌هنجاری) در گرایش به بهائیت با الهام از دیدگاه دورکیم

آزادی از قیدوبندهای ارزش‌های دینی		تغییر دیدگاه دینی و گرایش به فرقه‌های نوظهور و بهائیت
ازهم‌پاشیدگی هنجارهای سنتی		
نارضایتی هویتی		
تغییر سبک زندگی		

ترسیم از: نویسنده

در تبیین شکل‌گیری و گسترش فرقه انحرافی بهائیت می‌توان از نظریه انزواطلبی «رابرات مرتون»^۱، جامعه‌شناس علم، سود جست. با اینکه مرتون نظریات مختلفی ارائه داده است، این نظریه روایت دیگری از نظریه بی‌هنجاری است و شباهت نزدیک به نظریه پیرامون‌گرایی^۲، که اخیراً رواج گسترده‌ای داشته، دارد. طبق این نظریه، در جوامع مدرن اغلب بر اصالت دادن به موفقیت فردی تأکید شده است که کسب آن را در گرو، مشارکت فعال اجتماعی، داشتن کار

1. Merton
2. Marginalization

مفید، بهره‌مندی مناسب از ثروت مادی، سواد متناسب با موفقیت اجتماعی فرد می‌دانند که محرومیت در هریک از اینها، به پیرامونی‌شدن و انزواطلبی فرد منجر می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

این همان هماهنگی متوازن بین اهداف و ابزار از نظر مرتون است. در چنین شرایطی یا در شرایطی که افراد خود را با نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه بیگانه می‌یابند و یا حداقل خود را با آنها بیگانه نمی‌یابند، از جامعه جدا شده و در انزواطلبی بیشتر قرار می‌گیرند. این قبیل افراد عموماً کسانی هستند که یا قادر به تطابق خود با محیط نیستند و یا از تطبیق محیط با خود ناتوانند. بنابراین، برای گریز از این موقعیت برخی مواقع به آئین‌ها و فرقه‌های انحرافی روی می‌آورند. «مرتون» در ناهماهنگی اهداف و ابزار چهاروجه چون: نوآوری، مناسک‌گرایی، عزلت‌گزیدن و سرکشی را مطرح کرده است. بنابراین، بی‌هنجاری هنگامی رخ می‌دهد که افراد قادر نباشند با وسایلی که جامعه معین کرده است به اهداف مربوطه دست یابند و عکس‌العمل طبیعی به این وضعیت روی آوردن به کج‌روی و انحراف است که در نهایت جذب‌شدن به فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی چون بهائیت است.

جدول ۲. تحلیل گونه‌شناسی در مورد گرایش‌های دینی افراد با الهام از دیدگاه چهاروجهی «مرتون»

مدل مرتون	شیوه‌های انطباق	عملکرد رفتاری
مناسک‌گرایی	مناسک‌گرایی	انجام مناسک دین اسلام بدون الزام به اخلاق و رفتار دینی
نوآوری	فرقه‌های نوظهور	ایجاد عقاید جدید (بهائیت و فرقه‌های نوظهور)
کناره‌گیری	کناره‌گیری	پوچ‌گراها
طغیان و سرکشی	دسته‌ها	دسته‌های و جنبش‌ها در مخالفت با دین و حکومت ایرانی - اسلامی

ترسیم از: نویسنده

به بیان مرتون، سه عامل تعیین‌کننده‌ای را که به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده ساختار فرهنگی هر جامعه باید مورد توجه قرار داد و اثرگذاری آنها را بر شکل‌گیری کج‌روی در مذهب بررسی کرد، عبارتند از:

۱. **هدف‌های فرهنگی:** هدف‌هایی که فرهنگ جامعه به افراد خود می‌آموزد و آنان را به درونی کردن آنها رهنمون می‌نماید؛

۲. قواعد رفتار اجتماعی: قواعد و الگوهای رفتار که وسایل مشروع را برای نیل به هدف‌های فرهنگی تعیین می‌کند و افراد جامعه را مکلف می‌سازد تا برای رسیدن به هدف‌ها، راه‌هایی خاص را دنبال کنند و از وسایلی محدود، شناخته‌شده و مورد تأیید بهره گیرند؛

۳. توزیع واقعی امکانات و فرصت‌ها: جزء سوم ساخت فرهنگی جامعه که زمینه عینی و جزئی که دربردارنده و فراهم‌آورنده وسایل و ابزارهای مقبول یا نهادینه است و درواقع اوضاع و احوال واقعی عمل اجتماعی را تعیین می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۴: ۳۲۸ - ۳۲۹). اگرچه برخی افراد نه به علت فقر یا محرومیت، بلکه درعین داشتن شرایط زندگی مرفه با گرایش به فرقه‌هایی (چون بهائیت) درصدد ایجاد تجربه‌های جدید برای خودشان می‌باشند.

«گیدنز» امنیت را موقعیتی می‌داند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله شود و یا به کم‌ترین اندازه رسانده شده باشند. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به انبوه‌ها یا مجموعه‌هایی از آدم‌ها، تا حد امنیت جهانی و یا به افراد ارتباط داشته باشد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۴). گیدنز مفهوم امنیت وجودی را مطرح می‌کند که عبارت است از: ایمن بودن یعنی دراختیارداشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاه عملی برای برخی پرسش‌های وجود بنیادین که همه آدمیان در طول عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر، این اصطلاح راجع به اطمینانی است که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. باتوجه به مطالب مطروحه می‌توان گفت، زمانی که عدم تعادل بین اعتماد و موقعیت برای برخی از افراد ایجاد شود، هویت دچار تنش می‌شود و امنیت وجودی از بین می‌رود و گرایش به فرقه‌های ضاله در برخی افراد به وجود می‌آید. در این زمان به علت نوبد به امنیت پوشالی ازسوی این گروه‌ها، احتمال نقض امنیت اجتماعی نیز وجود دارد. بنابراین، نظریه فوق می‌تواند به لحاظ نظری تبیین‌کننده قوی درمورد تبدیل آسیب‌ها به تهدیدات امنیتی قلمداد شود.

پیشینه تحقیق

محمدعلی فلاح علی‌آباد و عباس کلانتری (۱۳۹۷: ۲۹۲ - ۲۷۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "پيامدشناسی تأویل‌گرایی بی‌ضابطه در جریان انحرافی مهدویت" در روایت «ام‌هانی» (باتا‌کیدبر نقد ادعای بهائیت) با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ادعای ابوالفضل گلپایگانی، مبلغ بهائیت در کتاب فراند، در ربط ظهور باب با روایتی از ام‌هانی پرداخته است که وی روایت «ام‌هانی» را بر ادعای سیدمحمدعلی شیرازی، ملقب به باب قابل تطبیق می‌دانسته و آن را از اشارات ظهور آیتی بر حقانیت ادعای وی شمرده است که با تحلیل سندی و روایتی ام‌هانی، دیدگاه وی رد و دیدگاه ام‌هانی با در نظر گرفتن معنای تعبیر آخرالزمان بر حضرت حجت(عج) قابل تطبیق بوده است.

هادی معصومی زارع (۱۳۹۶: ۲۶ - ۷) در مقاله‌ای با عنوان "چالش امنیتی فرقه‌گرایی در نظام ولایی" با روش توصیفی به این موضوع پرداخته که فرقه‌گرایی از جمله چالش‌هایی است که به شکل ویژه‌ای در دوران معاصر و در واکنش به بحران‌های اخلاقی و اجتماعی سر برآورده و با پدیدآوردن بحران‌های جدید، گریبان‌گیر بسیاری از جوامع شده است. از طرفی، بافت نظام‌های کمال‌گرایانه ولایی به‌گونه‌ای است که دو عنصر باور ایمانی امت به منظومه ارزشی دینی و ارتباط مودت‌آمیز و عاشقانه میان ایشان و حاکم (ولی) ضامن ثبات و امنیت نظام خواهد بود که در این بین، فرقه‌ها و جریان فرقه‌گرایی با کاربست کارویژه‌ها و خصوصیات ذاتی خود سعی در تحقق مواردی دارند که عبارتند از: ایجاد تشنت ایمانی و گسست هویتی در سطح جامعه و تخریب نظام باورمندی افراد به منظومه ارزشی.

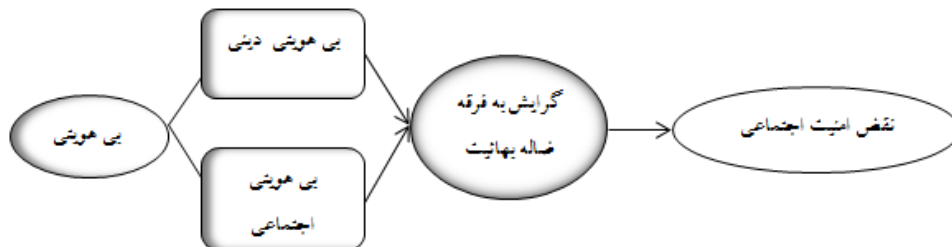
محمدرضا برزویی (۱۳۹۵: ۲۳۶ - ۲۱۳) در مقاله‌ای با عنوان "شیوه‌های ارتباطی مدعیان دروغین مهدویت در عصر غیبت باتا‌کیدبر فرقه بهائیت" با روش توصیفی به این موضوع پرداخته که بهره‌گیری از روش‌های تأثیرگذار ارتباطی و راه‌های علمی و روان‌شناختی ارتباط و گفتگو، به‌عنوان راهکار نوین افراد مدعی و فرقه‌های نوآیین و بدعت‌گذار امامت و مهدویت شناخته می‌شود. در این مقاله رویکردها و برنامه‌های مدعیان دروغین مهدویت، در بحث ارتباطات، تعامل و چگونگی جذب مخاطبان خود، مورد بررسی قرار گرفته و به شکلی

روش‌مند به تحلیل پیامدها، آثار و خاستگاه‌های این مدعیان دروغین پرداخته شده و بهائیت از جمله مهم‌ترین این فرقه‌هاست.

محمدفاکر میبیدی و رحمان زارع (۱۳۹۱: ۹۸ - ۸۵) در مقاله‌ای با موضوع "بررسی نقش علما در برخورد با مسئله بابیت و بهائیت" با روش توصیفی با بررسی نوشتارهای موجود به رد اشتباه برخی از مورخان و دعاوی کذب برخی از پیروان فرقه بهائیت در این زمینه پرداخته که علمایی همچون شیخ اعظم انصاری برخلاف ادعای کذب مطرح‌شده، برخورد قاطع و درخوری با سران بابیت و بهائیت داشته است.

مسلم محمدی (۱۳۹۰: ۸۴ - ۶۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "بازخوانی تحلیلی نقش آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) در مبارزه با اسلام‌ستیزی و نفوذ بهائیان در حکومت پهلوی" با روش توصیفی و تحلیل اسناد تاریخی به بررسی نقش علما پرداخته است. در این مقاله نقش روحانیت و مراجع آگاه به‌خصوص آیت‌الله بروجردی و پس از ایشان امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در مبارزه فکری و قانونی با این فرقه را باعث خنثی‌شدن بسیاری از اهداف مشترک حکومت پهلوی و بهائیت دانسته است.

زاهد غفاری هاشچین و همکاران (۱۳۹۰: ۶۴ - ۴۳) در مقاله "چرایی فرقه‌بودن بهائیت" با رویکرد تحلیل اسنادی در پی پاسخ به این سؤال اصلی بوده است که چرایی فرقه‌بودن بهائیت چیست و چگونه ویژگی‌های یک فرقه بر آن قابل انطباق است؟ نتیجه پژوهش نشان داده است که: بهائیت از نظر علمای اسلام و مراجع تقلید، با توجه به انحراف از اصول و فروع مسلم اسلام، یک فرقه ضاله است. همچنین بهائیت به علت دارا بودن ویژگی‌هایی چون: ۱. رهبران باهوش و زیرک، مغلطه‌گر، مقدس‌مآب و مستبد؛ ۲. وجود تشکیلات منسجم بیت‌العدل که شبیه فراماسونری‌ها عمل می‌کند و ۳. بهره‌برداری از فنون تبلیغی روان‌شناختی چون کنترل ذهن جهت فریب افراد، برای جذب و نگهداری آنها، یک فرقه است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌ها

۱. بی‌هویتی در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت تأثیر دارد.
۲. بین گرایش به فرقه بهائیت و نقض امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. میانگین میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بین شهروندان شهر الف و ب متفاوت است.
۴. میانگین بی‌هویتی دینی بین شهروندان شهر الف و ب متفاوت است.
۵. میانگین بی‌هویتی اجتماعی بین شهروندان شهر الف و ب متفاوت است.
۶. میانگین نقض امنیت اجتماعی بین شهروندان شهر الف و ب متفاوت است.

چارچوب روشی

پژوهش حاضر به‌لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است که به‌منظور تدوین پیشینه نظری و سوابق تجربی تحقیق از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) بهره گرفته شده است. واحد تحلیل در این پژوهش فرد می‌باشد. جمعیت آماری تحقیق شامل شهروندان ۱۸ تا ۶۴ سال شهر الف و ب بوده است.^۱ ابزار مور استفاده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است. سنجش متغیرها نیز از طریق گویه‌هایی انجام گرفته که روایی صوری آن از دیدگاه محققان و صاحب‌نظران تأیید و برای تعیین روایی گویه‌ها، یک مطالعه مقدماتی انجام شد که در آن ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری مورد سنجش قرار گرفته‌اند. نتایج مطالعه مقدماتی جهت سنجش پایایی با استفاده از

۱. جهت رازداری اخلاقی از شهر "الف" و "ب" استفاده شده است.

آلفای کرونباخ نشان داد که پایایی (واریانس) متغیر مورد مطالعه؛ میزان گرایش به بهائیت بین شهروندان شهر الف و ب، برابر ۰/۷۶ است. براین اساس با استفاده از فرمول کوکران جدول ۳، حجم نمونه در این مطالعه با سطح خطای ۵ درصد و احتساب پرسشنامه‌های بدون بازگشت، ۴۰۰ نفر در شهر "الف" و ۲۰۰ نفر در شهر "ب" تعیین شده است که در مجموع، باتوجه به پرسشنامه‌های بی‌بازگشت ۵۶۷ پرسشنامه دریافت شده است.

جدول ۳. فرمول کوکران شهر الف و ب

شهر الف	شهر ب
$n_2 = \frac{(61647)(1/96)^2 (0.5 \times 0.5)}{(58446)(0.05)^2 + (1/96)^2 (0.5 \times 0.5)} = 384(400)$	$n_1 = \frac{(6749)(1/96)^2 (0.5 \times 0.5)}{(58446)(0.05)^2 + (1/96)^2 (0.5 \times 0.5)} = 150(183)$

برای نمونه‌گیری از سه روش نمونه‌گیری بهره گرفته شده است؛ ابتدا برای انتخاب مناطق مورد مطالعه از نمونه‌گیری هدف‌مند و جهت طبقه‌بندی مناطق مورد مطالعه از نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب (PPS) و برای انتخاب نمونه‌ها در هر منطقه از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

متغیرهای تحقیق: باتوجه به چندرابطه‌ای بودن فرضیه‌ها در تحقیق حاضر، گرایش به فرقه بهائیت متغیر وابسته و بی‌هویتی (در دو بعد دینی و اجتماعی) متغیر مستقل و درمورد نقض امنیت اجتماعی، گرایش به بهائیت متغیر مستقل و نقض امنیت اجتماعی متغیر وابسته است.

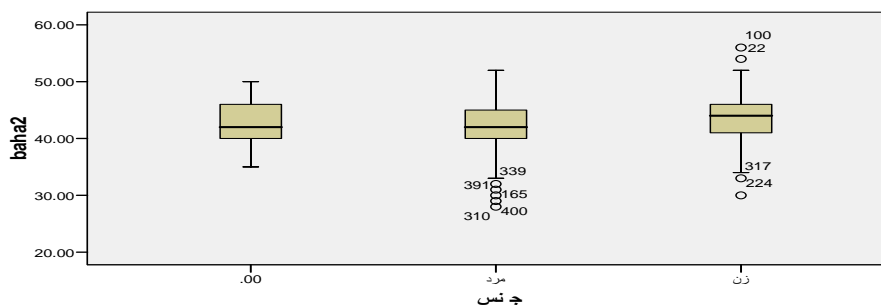
جدول ۴. شاخص‌سازی و روایی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	ابعاد		شاخص	روایی	روایی کل
گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت	اعتقادی	قیامت واقعی وجود ندارد		۰/۷۲	۰/۷۶
		هر چیزی نجس نیست			
		ربا خواری حرام نیست			
	مناسکی	نداشتن اعتقادی به نمازهای یومیه		۰/۷۰	
		تمایل به روزه ۱۹ روزه			
	باورها	۱۹ عدد مقدس می‌دانم		۰/۷۵	
		در احکام تقلید نمی‌کنم			
		امر به معروف و نهی از منکر دخالت در کار شخصی			
		بی‌اعتقادی به مهدویت			
متغیر مستقل	ابعاد		شاخص		
بی‌هویتی	دینی	اعتقادی	جزای اعمال وجود ندارد	۰/۷۹	
			تقدیر از ابتدا مشخص است		
		مناسکی	نماز خواندن بهبوده است		
	اجتماعی	عدم تعهد	تمایل به مهاجرت	۰/۸۲	
			بی‌تفاوتی نسبت به قوانین، هنجارهای جامعه		
					متغیر وابسته نسبت به گرایش به فرقه بهائیت
نقض امنیت اجتماعی	ذهنی	سلب اعتماد عمومی		۰/۷۷	
		شایعه‌پراکنی در مورد وضعیت جامعه			
		عدم امید به زندگی در اندیشه شهروندان		پوچ‌گرایی، زندگی با تمایل به مناسک‌گرایی تخریبی	

تحلیل یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

تحلیل اکتشافی شهر الف



جدول ۵. تحلیل اکتشافی میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت از اعتقادات بهائیان
بین شهروندان شهر الف

جنسیت	حد بالا	حد پائین
زن	۵۲	۳۱
مرد	۴۸	۳۰

باتوجه به دسته‌بندی میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت در شهر الف، گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بین ۳۰ تا ۵۴ بوده است که بالاترین میزان گرایش بین زنان با بالای ۵۲ درصد و مردان ۴۹ درصد است.

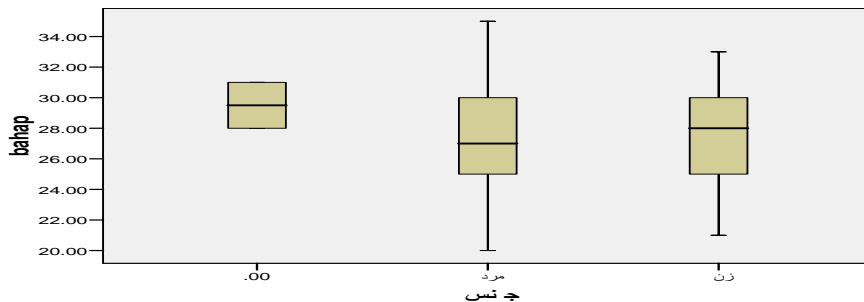
جدول ۶. محل سکونت (شهر الف) و میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت

محل سکونت ۱	۱	۲	۳	۴	۵	کل
خیلی کم	۲	۰	۱	۱	۲	۶
کم	۱۳	۱۶	۳	۵	۸	۴۵
متوسط	۴۵	۶۴	۳۳	۲۵	۳۴	۲۰۱
زیاد	۲۹	۳۰	۲۳	۱۶	۲۷	۱۲۵
خیلی زیاد	۴	۵	۱	۳	۰	۱۳
کل	۹۳	۱۱۵	۶۱	۵۰	۷۱	۳۹۰

باتوجه به دسته‌بندی گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت (جدول ۶) و طبقه‌بندی مناطق، ۲۰۱ نفر متوسط و ۶ نفر خیلی کم که در منطقه یک، نفر ۴۵ متوسط و ۲۹ نفر زیاد. در منطقه دو، ۶۴ نفر متوسط و ۳۰ نفر زیاد و در منطقه سه، ۳۳ نفر متوسط و ۲۳ نفر زیاد و در منطقه چهار، ۲۵ نفر متوسط و ۱۶ نفر زیاد و در منطقه پنج، ۳۴ نفر متوسط و ۲۷ نفر زیاد می‌باشد.

۱. جهت رازداری اخلاقی مناطق شماره گذاری و از ذکر اسامی آن خودداری می‌شود.

تحلیل اکتشافی شهر ب



جدول ۷. تحلیل اکتشافی میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بین شهروندان شهر ب

جنسیت	حد بالا	حد پائین
زن	۳۱	۱۹
مرد	۳۳	۲۰

گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بین شهروندان شهر ب بین ۱۹ تا ۳۳ بوده است که بالاترین میزان گرایش بین مردان بالای ۳۳ درصد و کم‌ترین حد بین زنان ۱۹ درصد می‌باشد.

جدول ۸. محل سکونت (شهر ب) و میزان گرایش به بهائیت

محل سکونت ^۱	محل سکونت				
	۱	۲	۳	۴	کل
خیلی کم	۲	۴	۱۲	۱	۱۹
کم	۱۰	۶	۹	۱۳	۳۸
متوسط	۱۱	۱۲	۱۰	۱۵	۴۸
زیاد	۱۲	۱۲	۱۱	۱۹	۵۴
خیلی زیاد	۲	۰	۸	۸	۱۸
کل	۳۷	۳۴	۵۰	۵۶	۱۷۷

باتوجه به جدول ۸ دسته‌بندی گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت و طبقه‌بندی مناطق، ۴۸ نفر متوسط و ۵۴ نفر زیاد که نشان‌دهنده زمینه وسیع در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت است که

۱. جهت رازداری اخلاقی مناطق شماره گذاری و از ذکر اسامی آن خوداری می‌شود.

در منطقه یک و دو ۱۲ نفر زیاد و در منطقه سه، ۱۱ نفر زیاد و در منطقه چهار، ۱۹ نفر زیاد می‌باشد.

آمار استنباطی

فرضیه اول: بی‌هویتی بر میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت تأثیر دارد.

جدول ۹. آزمون رگرسیون بین بی‌هویتی و میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت

الف:				F = ۱۸/۳۳	sig=۰/۰۰۰
معناداری	T	Beta	B	گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت	
۰/۰۰۰	۴/۲۸۲	۰/۳۱۲	۰/۳۴۲	بی‌هویتی دینی	
۰/۰۰۱	۳/۴۲۰	۰/۱۷۱	۰/۲۴۳	بی‌هویتی اجتماعی	
ب:				R ² = ۰/۲۱۲	R = ۰/۰۴۵

باتوجه به اینکه F، نشان‌دهنده این امر است که آیا مدل رگرسیونی تحقیق مناسب است یا خیر، یا آیا متغیرهای مستقل قادرند به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند یا خیر؟ در بخش الف؛ باتوجه به میزان F و معنی‌داری که مقدار آن کم‌تر از ۰/۰۰۵ است؛ می‌توان گفت مدل رگرسیونی مناسب است. در بخش ب: R² برابر با ۰/۲۱۲ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل بی‌هویتی دینی و اجتماعی به خوبی توانسته‌اند متغیر وابسته گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت را تبیین کنند و R نشان‌دهنده این امر است که به میزان ۰/۰۴۵ از عوامل ناشی از متغیرهای خارج از مدل است. همچنین Beta ضریب تأثیر استاندارد را نشان می‌دهد. در واقع این ضریب تأثیر نشان می‌دهد که یک تغییر در انحراف استاندارد متغیر مستقل باعث تغییر انحراف استاندارد در متغیر وابسته می‌شود که میزان بی‌هویتی دینی تأثیر بالای این متغیر را در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: بین گرایش به فرقه بهائیت و نقض امنیت اجتماعی، رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰. آزمون پیرسون بین گرایش به فرقه بهائیت و نقض امنیت اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب آزمون	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
گرایش به فرقه بهائیت	نقض امنیت اجتماعی	۰/۴۰۶	۰/۱۶	۰/۰۰

باتوجه به نتایج به دست آمده در فرضیه، بین گرایش به فرقه بهائیت و نقض امنیت اجتماعی، رابطه همبستگی ($r = 0/406$ و $p = 0/000$) معنی دار است و این فرضیه تأیید می‌شود. فرضیه سوم: میانگین میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بین شهروندان شهر الف و ب متفاوت است.

جدول ۱۱. آزمون T با دو نمونه مستقل

حد بالا	حد پایین	T	معنی داری	F
۲۹/۱۹۱	۱/۱۷۴۹۴	۱/۰۱۱	۰/۰۰۲	۰/۵۳۴

آزمون تفاوت معنی داری دو منطقه الف و ب براساس میزان T و سطح معنی داری کم‌تر از ۰/۰۵ نشان‌دهنده تأیید فرض تحقیق و رد فرض صفر می‌باشد. باتوجه به تأیید فرض تحقیق این تفاوت در آزمون F مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱۲. آزمون F مقایسه میانگین میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت در دو منطقه مورد بررسی

شهر مورد مطالعه	مجموع	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی داری
الف	۳۲۱	۵۳/۵۳	۱۱/۱	۵/۶۴	۰/۰۳
ب	۱۵۲	۴۹/۴۲	۸/۸		

براساس جدول ۱۰ در بررسی تفاوت در میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت در دو منطقه مورد مطالعه (شهر الف و شهر ب) می‌توان گفت میانگین‌ها با هم تفاوت دارند و سطح معنی داری به دست آمده که کم‌تر از ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد که فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت در دو منطقه متفاوت است.

جدول ۱۳. آزمون تفاوت در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت در شهر الف و ب

شهر مورد مطالعه	حد بالا	حد پایین	معنی داری
الف	۲/۱۳۶	۰/۹۹۴	۰/۰۰۲
ب	۱/۱۳۵	۰/۵۹۳	۰/۰۰۴

باتوجه به نتایج جدول ۱۱ وجود تفاوت در میانگین میزان گرایش به بهائیت، براساس آزمون تفاوت، شهروندان شهر الف نسبت به شهروندان شهر ب، گرایش بیشتری به بهائیت دارند.

فرضیه چهارم: میانگین بی هویتی دینی بین شهروندان الف و ب متفاوت است.

جدول ۱۴. آزمون T با دو نمونه مستقل بی هویتی دینی

حد بالا	حد پائین	T	معنی داری	F
۴/۹۹۱۰	۱/۴۱۵۲	۱/۱۲۳	۰/۰۰۰	۰/۷۱۰

آزمون تفاوت معنی داری بی هویتی دینی در دو شهر الف و ب براساس میزان T و سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۵ نشان دهنده تأیید فرض تحقیق و رد فرض صفر است. باتوجه به تأیید فرض تحقیق این تفاوت در آزمون F مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول ۱۵. آزمون F مقایسه میانگین بی هویتی دینی در دو منطقه مورد بررسی

متغیر	مجموع	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی داری
الف	۳۸۷	۶۱/۱۲	۱۰/۱	۵/۱۴	۰/۰۰
ب	۱۸۳	۴۷/۳۳	۷/۳		

برای سنجش تفاوت در بی هویتی دینی بین شهروندان برحسب نوع منطقه مورد مطالعه (الف و ب) می توان گفت میانگینها با هم تفاوت دارند و سطح معنی داری به دست آمده که کم تر از ۰/۰۵ است، نشان می دهد که فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین منطقه مورد بررسی رد و فرضیه تحقیق تأیید می شود. بنابراین، می توان گفت بی هویتی دینی در دو منطقه متفاوت است.

فرضیه پنجم: میانگین بی هویتی اجتماعی بین شهروندان شهر الف و ب متفاوت است.

جدول ۱۶. آزمون T با دو نمونه مستقل بی هویتی اجتماعی

حد بالا	پائین	T	معنی داری	F
۳/۶۴۵	۱/۹۲۴۹۴	۱/۳۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۱۴

آزمون تفاوت معنی داری دو منطقه الف و ب براساس میزان T و سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۵ نشان دهنده تأیید فرض تحقیق و رد فرض صفر می باشد. باتوجه به تأیید فرض تحقیق این تفاوت در آزمون F مورد بررسی قرار می گیرد.

جدول ۱۷. آزمون F مقایسه میانگین بی‌هویتی اجتماعی در دو منطقه مورد بررسی

متغیر	مجموع	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی داری
الف	۴۱۸	۶۱/۴۲	۹/۸	۵/۷۱	۰/۰۲
ب	۱۸۳	۴۱/۵۶	۱۲/۱		

باتوجه به نتایج به دست آمده در میزان بی‌هویتی اجتماعی برحسب نوع منطقه مورد مطالعه (الف و ب) می‌توان گفت میانگین‌ها با هم تفاوت دارند و سطح معنی داری به دست آمده که کم‌تر از ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین منطقه مورد بررسی رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت بی‌هویتی اجتماعی در دو منطقه متفاوت است.

فرضیه ششم: میانگین نقض امنیت اجتماعی بین شهروندان شهر الف و ب متفاوت است.

جدول ۱۸. آزمون T با دو نمونه مستقل نقض امنیت اجتماعی

حد بالا	حد پائین	T	معنی داری	F
۳/۹۹۱۰	۱/۸۱۵۲	۱/۴۲۳	۰/۰۰۰	۰/۷۱۰

آزمون تفاوت معنی داری نقض امنیت اجتماعی در دو شهر الف و ب براساس میزان T و سطح معنی داری کم‌تر از ۰/۰۵ نشان‌دهنده تأیید فرض تحقیق و رد فرض صفر می‌باشد. باتوجه به تأیید فرض تحقیق این تفاوت در آزمون F مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱۹. آزمون F مقایسه میانگین گرایش به فرقه بهائیت و نقض امنیت اجتماعی

متغیر	مجموع	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی داری
الف	۳۷۸	۶۰/۱۲	۱۱/۱	۸/۱۱	۰/۰۱
ب	۱۸۳	۴۸/۳۳	۶/۳		

باتوجه به نتایج به دست آمده در میزان نقض امنیت اجتماعی برحسب نوع منطقه مورد مطالعه (الف و ب) می‌توان گفت میانگین‌ها با هم تفاوت دارند و سطح معنی داری به دست آمده که کم‌تر از ۰/۰۵ است، نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین منطقه مورد بررسی رد

و فرض تحقیق تأیید می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت نقض امنیت اجتماعی در دو منطقه، متفاوت است.

نتیجه‌گیری

برای ترسیم چگونگی بی‌هویتی و میزان گرایش به اعتقادات فرقه انحرافی بهائیت و ارائه راهکارهای مقابله با آن در دو منطقه موردبررسی با دسته‌بندی گرایش به عقاید و باورهای فرقه بهائیت، میزان گرایش به اعتقادات در نگرش شهروندان مورد سنجش قرار گرفت. با اشراف بر این مسئله که نیمی از بهائیان، از یکی از شهرها که مرکز امن بهائیت در پیش از انقلاب اسلامی محسوب می‌شده است، به شهر جدیدالتأسیس "ب" مهاجرت کرده‌اند و با تبلیغات خاص خود، برخی از ساکنین این مناطق را به سمت فرقه انحرافی بهائیت کشانده‌اند؛ این دو منطقه از یکی از استان‌های کشور مورد سنجش قرار گرفته است. باتوجه به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر، میانگین میزان گرایش شهروندان به اعتقادات فرقه بهائیت در کدام شهر بیشتر است؟ براساس آزمون T و آزمون تفاوت در شهر "ب" به علت کثرت مهاجرپذیری و تنوع فرهنگی و عدم شناخت گسترده افراد بر یکدیگر گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بیشتر است. همچنین در پاسخ به سؤال دیگر که تأثیر کدام بی‌هویتی در میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت بیشتر است؟ باتوجه به آزمون رگرسیون و میزان بتای آزمون، بی‌هویتی دینی بیشترین تأثیر را در گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت دارد. همچنین براساس تحلیل اکتشافی بیشترین گرایش به بهائیت در شهر "الف" بین زنان بوده است و در شهر "ب" باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده بین مردان بوده است، اما گرایش زنان و دختران به فرقه بهائیت در شهر "ب" می‌تواند به علت تمایل به بدحجابی و آزادی در قید و بند دینی، یکی از اساسی‌ترین عوامل در گرایش به این فرقه باشد.

آنچه این مقاله به آن دست یافته است، اهمیت هویت و تأکید در نیاز به هویت‌یابی و شکل‌گیری تصور از خویشتن بین افراد جامعه است؛ زیرا افراد جامعه در صورت عدم تقویت هویت ایرانی - اسلامی به گروه‌ها و افکاری که توانایی هویت‌بخشی دارند، گرایش پیدا می‌کنند. گروه‌هایی که جهان‌بینی، انسان‌شناسی و ارزش‌های خاصی را مطرح می‌کنند، استعداد

شکل‌دهی به هویت افراد را دارند و از این رو با استقبال از سوی آنان مواجه می‌شوند و از نظر امنیتی می‌تواند اثرات سوئی در درازمدت برای جامعه و کشور به دنبال داشته باشد.

براساس نتایج به دست آمده در پاسخ به میزان گرایش به اعتقادات فرقه بهائیت در شهر "الف" و "ب" می‌توان این‌گونه بیان نمود که در شهرهای جدید و اقماری، برخی پیروان فرقه‌های انحرافی با استفاده از عدم نظارت غیررسمی و عدم شناخت افراد از یکدیگر با استفاده از این فضا، به ترویج افکار خود می‌پردازند و افرادی که در شناخت دینی و زندگی خود دچار پوچی هستند، به جهت تأمین احساس نیاز خود، به این فرق ضاله گرایش پیدا می‌کنند.

نقش ماهواره و تبلیغات زیرزمینی فرقه انحرافی بهائیت در نشر اعتقادات و جذب افراد به این فرقه بی‌تأثیر نبوده است. این امر نشان‌دهنده اساسی‌ترین آسیب یعنی گسترش عقاید و ایدئولوژی‌های مخرب در جهت خلاف امنیت جامعه به‌ویژه امنیت اجتماعی و انتقال افکار بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی بین برخی شهروندان است همچنین با توجه به مفهوم متن مبنی بر اینکه "آنها (بهائیان) ایران را بعد از رژیم صهیونیستی، دومین سرزمین بهائیان و آن را مرکز قیام و تسخیر جهان می‌دانسته‌اند" می‌توان به اهمیت این مسئله در جلوگیری از رشد قارچی این فرقه برای امنیت اجتماعی و کاهش بسترهای بعدی آن یعنی نشانه گرفتن امنیت ملی اقدامات لازم را به عمل آورد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، پیشنهادهای کاربردی در جهت مقابله با ترویج این فرقه انحرافی و عدم نقض امنیت اجتماعی با توجه به فرضیه‌ها ارائه می‌شود:

۱. ترویج سبک زندگی - اسلامی ایرانی توسط نهادهای فرهنگی و صیانت از هویت اسلامی - ایرانی از طریق حفظ ارزش‌ها و تقویت باورهای مردم؛ (دوری از بی‌هویتی دینی).
۲. پاسداری از قداست خانواده و حمایت همه‌جانبه برای تشکیل و حفظ خانواده به‌عنوان زیربنای جامعه دینی؛ (دوری از بی‌هویتی دینی).

۳. تقویت برنامه‌های ارشادی: تمایل به بدپوششی در زنان یکی از عوامل اصلی برای جذب به فرقه‌های انحرافی و عرفان‌های نوظهور است (این مسئله از طریق گزارش‌های میدانی پرسشگران به دست آمده است) که با کاهش سخت‌گیری‌های دینی و ایجاد فرصت در گرایش افراد به‌ویژه زنان و دختران جوان به پوشش‌های اسلامی، می‌توان این تمایل را بین افراد کاهش داد؛ (دوری از بی‌هویتی اجتماعی).

۴. تقویت ارزش‌های ایرانی اسلامی با تأکید بر نقش محلات و جلوگیری از ارائه خدمات مختلف به روش‌های متمرکز و غیرمشارکتی، با شرکت دادن افراد محلی در شناخت آسیب‌های محلی و تلاش برای کاهش آنها، توجه به پیچیدگی مسائل و مشکلات اجتماعی و پرداختن به یک یا چند بعد از آن در برنامه‌ریزی‌های شهری و مستمر بودن برنامه‌ها؛ (دوری از بی‌هویتی اجتماعی).

۵. توسعه مشارکت مردمی در امنیت اجتماعی، از طریق ایجاد، توسعه یا تقویت سمن‌ها یا تشکل‌های با کارکرد امنیت عمومی به همراه ایجاد مشوق‌های مادی و معنوی و برجسته‌نمودن مشارکت امنیتی افراد از طریق سازوکارهای رسانه‌های عمومی (مانند سمن یا شهروند برگزیده در حوزه امنیت اجتماعی) و به‌کارگیری سازوکارهای موجود در نیروی مقاومت بسیج (سپاه‌های استانی)؛ (جلوگیری از نقض امنیت اجتماعی).

۶. ارتقا و توسعه آگاهی‌های مردم به‌ویژه گروه‌های مرجع به‌منظور تقویت همکاری آنان در راستای ارتقای امنیت اجتماعی از طریق تولید کالاها و محصولات فرهنگی و فعالیت‌های مختلف هنری، (مانند ساخت فیلم، کلیپ‌های جذاب هنری، هشدارهای سوءاستفاده از آنان مانند توزیع سی دی و...) در اماکن خاص و زمان معین (مانند به‌کارگیری سازوکارهای موجود در شهرداری‌ها اعم از فرهنگسراها، محیط بوستان‌ها، معابر عمومی، بروشورهای آگاه‌سازی در وسائل نقلیه عمومی و...)؛ (جلوگیری از نقض امنیت اجتماعی).

۷. توسعه مشارکت مردم در امنیت محله‌ای از طریق برقراری ارتباط دوسویه بین ساکنین محله و نهادهای امنیتی (استفاده از معتمدین محلی، راه‌اندازی سایت‌ها و وبلاگ‌های محلی، روش‌های نوین ارتباط برخط (آنلاین) با نهادهای امنیتی و...) توسعه ارتباط و تعامل مردم با سازمان پلیس و اطلاعات از طریق فناوری‌های متنوع ارتباطاتی؛ (جلوگیری از نقض امنیت اجتماعی).

منابع

فارسی

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۴)، صحیفه نور، جلد ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله علیه).
۲. آقابخشی، حمید (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی خانواده، رویکرد مددکاری اجتماعی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
۳. اشتیاردی، محمدمهدی (۱۳۷۹)، بای‌گری و بهائی‌گری، تهران: نشر کتاب آشنا.
۴. افراسیابی، شهرام (۱۳۹۱)، تاریخ جامع بهائیت (کالبدشکافی بهائیت)، تهران: نشر مهرام.
۵. براون، ادوارد گرانویل (۱۳۹۵)، یکسال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالح علامه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اختران کتاب.
۶. برزگر لداری، شیرزاد و ره‌پیک، سیامک (۱۳۹۲)، بررسی امکان تبدیل چالش‌ها و آسیب‌ها به تهدیدات امنیت ملی، فصلنامه امنیت، سال دوم، ش ۷، بهار.
۷. جهانگیری، جهانگیر و مساوات، ابراهیم (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان مورد مطالعه: زنان ۱۵ - ۴۰ سال شهر شیراز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، شه پیاپی ۶، ش ۲، پاییز.
۸. چگینی، عباس (۱۳۹۷)، نقش هویت ملی در مقابله با تهدیدات آینده، مجله سیاست دفاعی، سال بیست‌وهفتم، ش ۱۰۵، زمستان.
۹. حسینی، کمال‌الدین (۱۳۸۶)، مبانی تئوریک شکل‌گیری هویت، مجله علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه مشهد، بهار.
۱۰. حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۴)، جنبش‌های نوپدید دینی و هویت ملی در ایران، تهران: نشر تمدن ایران (وابسته به مؤسسه مطالعات ملی).
۱۱. دان، رابرتسون (۱۳۹۳)، نقد اجتماعی پست‌مدرنیته، بحران‌های هویت، ترجمه صالح نجفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پردیس دانش.
۱۲. رائین، اسماعیل (۱۳۷۸)، انشعاب در بهائیت، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی رائین.
۱۳. روچیلد، اما (۱۳۹۱)، جامعه، امنیت، هویت، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. روی، پل (۱۳۸۲)، معمای امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ترجمه منیژه نویدنیا، سال ششم، ش ۲۱.

۱۵. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر آوای نور.
۱۶. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی کج‌روی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم.
۱۷. شاه‌محمدی، محمد و مرتضویان، سیدعلی (۱۳۹۴)، مشارکت اجتماعی آگاهانه و امنیت اجتماعی، فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت ملی، سال چهارم، ش ۱۶، تابستان.
۱۸. شامحمدی، رستم و پاسالاری بهجانی، فاطمه (۱۳۹۴)، مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (بان‌آکیدبر کارکرد آنها)، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال نهم، ش ۱۸، پاییز.
۱۹. صداقتی فرد، محمد (۱۳۹۳)، بی‌تفاوتی اجتماعی، چاپ دوم، تهران: بهتا پژوهش.
۲۰. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. علیخانی علی (۱۳۸۶)، مبانی نظری هویت و بحران هویت، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۲. فاتحی، ابولقاسم (۱۳۸۲)، تأثیر سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی دانشجویان شهر شیراز، رساله دکتر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۲۳. گنجی، حمزه (۱۳۹۲)، روان‌شناسی عمومی، چاپ دوم، تهران: نشر روان.
۲۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه صبوری، چاپ هیجدهم، تهران: نشر نی.
۲۵. نصراله‌زاده، محمدجواد و صائبی، حسن (۱۳۹۷)، ارائه الگوی راهبردی در حوزه امنیت اجتماعی براساس گفتمان امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، رهبری، قانون اساسی، تجارب جمهوری اسلامی ایران و بهره‌گیری از تجارب بشری، فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت ملی، سال هشتم، ش ۲۷، بهار.
۲۶. همیلتون، مالکم (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ثالث.